

تحلیل ادراک جامعه محلی از روستای خوب

(مورد مطالعه: روستای ورس)^{*}

شیرین عزیزی^۱، فرهاد عزیزپور^۲، اصغر پهماسی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۶

چکیده

روستای خوب از مفاهیم و اهداف محوری برنامه‌ریزی توسعه روستایی محسوب می‌شود. با وجود این، مدل‌سازی ویژگی‌های روستای خوب در سکونتگاه روستایی، نیازمند بررسی و اولویت قرار دادن تجربه‌ها، فهم، ادراک و نیازهای عینی و ذهنی جامعه محلی است. هدف پژوهش حاضر درک و تفسیر ویژگی‌های یک روستای خوب از منظر ساکنین مناطق روستایی است. بدین منظور روستای ورس، واقع در دهستان حصارخروان بخش محمدیه از توابع شهرستان البرز استان قزوین، به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب شد تا سؤال کلیدی «درک جامعه محلی از روستای خوب چیست؟» مورد بررسی قرار گیرد. تکنیک مصاحبه عمیق برای شرکت‌کنندگان رده سنی بزرگسال و تصویر ذهنی و ابزار نقاشی برای شرکت‌کنندگان رده سنی کودک و نوجوان مورد استفاده قرار گرفت، تا داده‌های ویژگی‌های روستای خوب از منظر آن‌ها جمع‌آوری شود. تمام توضیحات شرکت‌کنندگان درباره نقاشی روستای خوب به‌همراه مصاحبه‌های عمیق ضبط و سپس به متن تبدیل و با روش تحلیل محتوایی در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تحلیل و مقوله‌بندی قرار گرفتند. برآیند این مسیر، اکتشاف ۶۹ مفهوم و ۲۰ مقوله اصلی و ارائه چارچوب مفهومی روستای خوب از دیدگاه جامعه محلی روستای ورس بود. در گفتمان جامعه محلی مطالعه‌شده، دسترسی به آب کشاورزی در همه فصول سال، مشارکت جامعه محلی در طرح‌های توسعه روستا، فعال‌سازی فرصت‌های اشتغال برای روستاییان، حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا، رضایت از درآمد، بومی‌گرایی، باور به ارزش‌های دینی، بهره‌مندی از محیط اکولوژیک مناسب، معماری بومی، برخورداری روستا از امکانات رفاهی، جمع‌گرایی، بهره‌مندی از دانش رسمی مهارت در روستا، نبودن تعارض بین دولت و مردم، بنیان خانواده، وجود ظرفیت‌های توسعه اشتغال، انسجام اجتماعی، بهره‌مندی از سلامتی جسم و روان، پیوستگی تعامل شهر و روستا، محیط زیست مناسب و شبکه حمل‌ونقل مناسب از خصایص یک روستای خوب است.

واژگان کلیدی: ادراک جامعه محلی، برنامه‌ریزی توسعه روستایی، روستای خوب، روستای ورس.

^{*} مقاله علمی پژوهشی، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «تحلیل ادراک جامعه محلی از روستای خوب،

مورد مطالعه: روستای ورس»، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی

۱ کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه

خوارزمی، shirin.azizi1987@gmail.com

۲ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی

(نویسنده مسئول)، azizpour@khu.ac.ir

۳ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی،

asghar@khu.ac.ir

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 12, No. 2, Autumn and Winter 2021

The Analysis of Local Community Perception on Good Village (Case Study: Vers Village)*

Shirin Azizi¹, Farhad Azizpour², Asghar Tahmasebi³

Received February 4, 2021 Acceptance April 25, 2021

Abstract

The notion of good village is a core concept and aim for rural development planning. However, modeling the qualifications of good village in rural settlements, requires investigation and prioritizing the experiences, perceptions and the objective and subjective needs of the local community. This study aims to understand and interpret the characteristics of a good village from the perspectives of local community. In doing so, we examined the case of Vers Village in Hesar Kharvan Rural District, of Alborz County in Qazvin province to answer the leading question of "What is the local community's perceptions of a good village?" In-depth interviews with the adult participants and the mental imagery and drawing tools with the children and young participants were used to collect data on their insight on the characteristics of a good village. The participants' explanations on the drawings and the interviews were taped and transcribed. Then, the contents were analyzed and classified in three phases of coding: open coding, axial coding and selective coding. As a result, 69 concepts and 20 main categories were identified and the conceptual framework of the good village from the perspective of the local community was developed. In the discourse of the studied local community, the access to agricultural water in all seasons, participation of the local community in rural development projects, employment opportunity for the villagers, preservation of cultural and natural monuments of the village, satisfaction with local income, nativism, belief in religious values, benefit from a suitable ecological environment, vernacular architecture, welfare facilities for the village, collectivism, benefit from formal skills and knowledge in the village, no conflict between government and people, family foundation, existence of employment development capacities, social solidarity, enjoy physical and mental health, continuity of urban-rural interaction, suitable environment, proper transportation network, were the characteristics of a good village.

Keywords: rural development planning, local community perceptions, good village, Vers Village

This paper is taken from a Master thesis titled "The analysis of local community perceptions on good village, The case of Vers Village" at Faculty of Geographical Science - Kharazmi University

1 Master of Geography and Rural Planning, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Science, Kharazmi University, shirin.azizi1987@gmail.com

2 Associate professor of Geography and Rural Planning, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Science, Kharazmi University, (corresponding author), azizpour@khu.ac.ir

3 Assistant professor of Geography and Rural Planning, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Science, Kharazmi University, asghar@khu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

هدف اصلی برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دستیابی به روستایی ایدئال، مطلوب و خوب است. «روستای خوب» سکونتگاه یا زیستگاهی است که با توجه به ادراک، تجارب، آرمان‌ها، هنجارها، معیارها، نیازها، خواسته‌های مشترک و دلخواه اکثریت مردم آن با صفت «خوب» شناخته می‌شود (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵۷). «خوب بودن» کیفیت و ارزش اجتماعی و فرهنگی است که «مدل‌سازی» آن برای ویژگی‌های یک سکونتگاه روستایی می‌تواند با نیازهای عینی و ذهنی جامعه محلی هم‌پیوند باشد (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بنابراین مفهوم «خوب بودن» در بستر تجربه‌ها و آگاهی‌ها و فهم و ادراک مردمی شکل می‌گیرد که در محیط روستا زندگی می‌کنند و در تعامل تنگاتنگ با فضای جغرافیایی و اجتماعی این‌گونه نواحی قرار دارند (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵۷ و لینچ، ۱۹۸۱: ۱۱۷).^۱ این موضوع در ادبیات توسعه به‌ویژه توسعه پایدار باهدف بهره‌مندی پایدار انسان از محیط (به‌ویژه عرصه‌های روستایی)، آن‌قدر اهمیت دارد که مدل‌های مفهومی چون روستای هوشمند، بوم روستا، روستای سالم برای کاربرد در برنامه روستایی توسط نظریه‌پردازان توسعه ارائه شده است.

نگاهی به ادبیات موضوع برنامه‌ریزی توسعه روستایی نشان می‌دهد تاکنون برنامه‌های متعددی باهدف توسعه روستایی در کشور اجرا شده است و با عناوین گوناگون به‌منظور ارائه الگوی سکونتگاهی ایدئال در کشورهای مختلف جهان مطرح و بررسی شده است. همه این مدل‌ها به‌نوعی در پی رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، پویا، بهینه و توسعه‌یافته، بر پایه و اصول پایداری و توسعه پایدارند و تأثیرپذیری از پارادایم و اندیشه توسعه پایدار ویژگی اکثر آنهاست. در ایران نیز بسیاری از این الگوهای مطرح در دنیا، مطالعه و اجرا شده است. با این تفاوت که همگی آنها از دل نگرش‌ها، نظریه‌ها، مدل‌ها و راهبردهای غیربومی و بدون در نظر گرفتن شرایط جامعه محلی و نیازسنجی و اولویت‌بندی برنامه‌ها از دید مردمان روستاها الگوسازی شده‌اند. پس از گذشت سال‌ها از اجرای این برنامه‌ها و پدیدار شدن پیامد این‌گونه برنامه‌ریزی توسعه در جامعه محلی روستایی، مشاهده می‌شود طرح‌هایی در بسیاری از روستاهای کشور عملیاتی و به بهره‌برداری رسیده است که به‌دلیل ضعف انطباق کاربرد آن با

¹ Lynch, 1981: 117

تجربه‌ها، ادراک و نیاز روستاییان، از همان ابتدای اجرای این‌گونه پروژه‌ها، با اقبال خوب روستاییان روبه‌رو نشده است. پروژه‌هایی در قالب طرح‌های توسعه روستایی در این سکونتگاه‌ها عملیاتی شده‌اند که سنخیت مناسبی با فضاهای روستایی و شرایط و فضای زیستی و معیشتی مردم جوامع محلی ندارد و جامعه محلی نیز درک مناسبی از چنین توسعه‌ای ندارد. این مصادیق تنها بخشی از مسائل و چالش‌های به‌وجودآمده در فضای سکونتگاه‌های روستایی کشور است. وجود چنین چالش‌ها و مسائلی در روستاهای کشور، علاوه بر غیربومی بودن این الگوها، نتیجه کاربرد نوعی رویکرد و تفکر برنامه‌ریزی است که توسعه پایدار روستایی هدف آن بوده است، اما توسعه‌ای که تاکنون بدون بهره‌گیری مطلوب از حساسیت‌ها، خواسته‌ها، درک صحیح نیازها و اولویت‌های مغفول‌مانده جامعه محلی، خواستار یک زندگی ایدئال و یا «خوب» برای آنان بوده است. این رویکرد که متأثر از پارادایم مسلط بر ادبیات شناخت علوم یعنی اثبات‌گرایی است، با نام رویکرد «برنامه‌ریزی کارشناس‌محور» (عقلایی‌گرایی) در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی موسوم است. در مقابل این رویکرد، برنامه‌ریزی مردم‌محور (ارتباطی) قرار دارد که از اواخر قرن بیستم در پی بروز نواقص و ضعف رویکرد عقلایی‌گرایی در ادبیات برنامه‌ریزی جهان مطرح شد که متأسفانه در ایران با اقبال برنامه‌ریزان توسعه روستایی روبه‌رو نشده است و رویکرد کارشناس‌محور همچنان بر حوزه ادبیات برنامه‌ریزی کشور غلبه داشته است. رویکرد عقلایی‌گرایی با دو خصیصه «تخصص‌محوری» و «غیر مشارکتی بودن» مبتنی بر نگرش‌های تمرکزگرا در برنامه‌ریزی همراه است که از جامعه محلی تنها به‌عنوان یک منبع آماری خود استفاده می‌کند و پرسشگری از جامعه هدف فقط به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز کارشناسان شکل می‌گیرد (رکن‌الدین افتخاری و جانعلی‌نسب، ۱۳۸۳: ۲). از دیدگاه برنامه‌ریزی عقلایی‌گرایی، جهان اجتماعی همانند فراگرد جهان طبیعی است که طبق عقیده اثبات‌گرایان و کمی‌گرایان، می‌توان قوانین عام جهان طبیعی را به آن تصور کرد و کنشگران در این جهان تا حد موجودات منفعل و فاقد اراده تنزل داده شده‌اند. فرایند برنامه‌ریزی و تهیه و اجرای طرح‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد که متخصص‌محوری و ویژگی‌های غیر مشارکتی ناشی از غلبه رویکرد عقلایی‌گرایی در برنامه‌ریزی، مانع از توجه لازم به معیارهای رویکرد مردم‌محور است. با این شرایط، فرایند توسعه روستایی کارآمد نبوده، به‌طوری‌که مشارکت مؤثر

جامعه محلی در عرصه تحولات زندگی خویش تضمین نشده است (همان: ۱۱) و نظام برنامه‌ریزی کشور به‌رغم صرف تلاش و هزینه‌های بسیار هنوز نتوانسته سکونتگاه‌هایی مطلوب و خوب آن‌طور که شایسته و بایسته است را برای جامعه محلی به ارمغان آورد و رضایت ساکنان روستاها از محیط زیست خویش در روستا را جلب کند و همچنان پدیده مهاجرت از روستا به شهر، فقر و مشکلات روستاییان ادامه دارد (رستمعلی‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

بر این اساس، متخصص توسعه سکونتگاه روستایی، دانای کل نیست که بر همه ضرورت‌ها و مصلحت‌های جامعه محلی با به‌کارگیری روش‌های کمی، تمام‌کمال آگاه باشد و بهترین راه‌حل‌های دستیابی به آن‌ها را بشناسد (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵۷)، بلکه این جامعه محلی است که می‌تواند بر اساس درک خود از توسعه روستای خویش، نیازهایش را اولویت‌بندی کرده، سیمایی ایدئال برای سکونتگاه خود الگوسازی کند و چارچوبی خوب از روستای خویش پیشنهاد دهد.

روستای ورس از توابع بخش محمدیه شهرستان البرز استان قزوین است. این روستا به‌لحاظ طبیعی در موقعیت کوهپایه‌ای با آب‌وهوایی معتدل و سرد کوهستانی و اقتصاد مبتنی بر بخش کشاورزی از جنبه نقش‌پذیری ساکنینش در فرایند توسعه روستای خود شبیه غالب روستاهای کشور است. این روستا، در چنددهه اخیر متأثر از عوامل بیرونی (ازجمله تهیه و اجرای طرح هادی روستایی)، شاهد تحولات در ابعاد مختلف به‌ویژه کالبدی بوده است. این تحولات رخ داده نه برخاسته از نگرش روستاییان که برآمده از اندیشه برنامه‌ریزان و طراحان تکنوکرات بوده است. این موضوع سبب شده بعضاً نه‌تنها مشکلات گذشته حل نشده، بلکه زمینه‌ساز مشکلات جدید هم شود. در این راستا، ارائه پاسخی مناسب به این سؤال که «روستاییان چه درکی از روستای خوب دارند؟» مورد تأکید این مقاله قرار گرفته است.

مبانی نظری

در حوزه ادبیات نظری توسعه و تغییرات اجتماعی در دوره معاصر، مباحث برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی با توجه به گسترش نظری و روش‌شناسی در حال تبدیل به یک پارادایم بزرگ‌مقیاس بین‌رشته‌ای است. تعاریفی که تا یکی دو دهه پیش از توسعه روستایی ارائه شده است، به‌ندرت به پایداری اشاره داشته و بیشتر تحت تأثیر دیدگاه‌های حاکم در دوره‌های

مختلف بوده است. تعریف‌های مذکور، عمدتاً حول محور اقتصادی و اجتماعی متمرکز بودند و برای دوره‌ای نسبتاً طولانی، توسعه روستایی در چارچوب دیدگاه‌های کمی‌گرایانه و مدرنیستیون تعریف می‌شد و بر بُعد اقتصادی بسیار تأکید داشت و رشد و افزایش محصول را بدون توجه به سایر ابعاد توسعه مورد توجه قرار داده بود. این نوع توسعه مترادف با رشد و با تأکید بر رشد اقتصادی، فناوریانه، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و... بود (قادری و شرف‌خانی، ۱۳۹۸: ۱۰۵). مدتی نیز تأکیدها بر جنبه‌های اجتماعی از قبیل بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه‌های خاصی از مردم (فقرا روستایی) بیشتر مورد توجه قرار گرفت و هم‌زمان با رشد، توزیع منافع توسعه نیز در کانون مباحث جای داشت و در گام‌های بعدی، به مشارکت و ابعادی از نوع نگاه کیفی‌گرایانه عنایت شد. با اینکه بر توسعه یکپارچه بسیار تأکید شد، ولی در عمل به‌ندرت توسعه روستایی یکپارچه تحقق یافت و در نتیجه توسعه‌ای که در روستاها پدید آمد، توسعه‌ای ناموزون و تاحدی ناهماهنگ در جامعه محلی و روستایی بود. از دهه ۱۹۷۰، همگام با نقد و چالش‌های نظری و روشی علیه مکتب نوسازی متعارف از سوی مکاتب وابستگی، تضاد و پست‌مدرنیسم و در نهایت فمینیسم و ساختارگرایان اجتماعی، زمینه برای مطرح شدن حوزه روستایی در قالب رویکرد توسعه پایدار روستایی فراهم شد که در آن بر سازوکار درونی، بومی و مردم‌محور تأکید دارد (وثوقی و ایمانی، ۱۳۸۹: ۴۱).

بر اساس این سیر تحول فکری و نظری توسعه، برنامه‌های توسعه روستایی به لحاظ مبانی نظری و نوع نگرش به توسعه، هدف‌گذاری و تخصیص منابع از آموزه‌های الگوهای مسلط در ادبیات توسعه در دوره‌های مختلف زمانی و به‌خصوص در دهه‌های اخیر از نگرش توسعه پایدار تأثیر پذیرفته است (رضوانی، ۱۳۹۱: ۷۸). به معنای دیگر از میان آموزه‌های پارادایم توسعه پایدار در طول دهه‌های اخیر، راهبردها و الگوهای متنوعی به‌منظور برنامه‌ریزی نواحی روستایی در جهان مطرح شده است. در دهه‌های گذشته الگوهایی چون «روستای نمونه»، «روستای سالم»، «بوم روستا»، «روستای شهری» و «روستای هوشمند» در مناطق گوناگون جهان مطرح و بررسی شده‌اند. همه این مدل‌ها به‌نوعی در پی رسیدن به جامعه مطلوب، پویا، بهینه و توسعه‌یافته بر پایه و اصول پایداری و توسعه پایدارند و تأثیرپذیری از اندیشه آرمان‌شهرگرایی و رسیدن به سکونتگاه مطلوب، ویژگی اکثر آنهاست (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵۱).

جدول ۱. اصول مطرح در مدل‌های توسعه روستایی

اصول	مدل‌ها
عدالت اجتماعی، ارزش‌های انسانی و معنوی، دموکراتیک و مدنی	مدل روستای نمونه
بهداشت، اشتغال، مسکن، عدالت، برابری، آموزش	مدل روستای سالم
کاربری ترکیبی، دسترسی به مسیر پیاده‌روی، طراحی ساختمان‌های فشرده و متنوع، ویژگی‌های آموزش و پرورش، جوامع جذاب با احساس قوی مکانی (فرهنگ‌سازی شهروندان)، توسعه و تقویت اجتماعات و گزینه‌های متنوع حمل و نقل	مدل روستای هوشمند
مشارکت، صمیمیت و هویت، فضاهای عمومی سرزنده و هم‌ساز با طبیعت، کارآمدی منابع انرژی، ابعاد و بافت مسکن روستا، تناسب اختلاط کاربری اراضی و فعالیت‌ها و تنوع ابنیه، پیاده‌مداری، احترام به محیط‌زیست	مدل روستای شهری
بُعد اجتماعی (سبک زندگی سالم، بهداشت پیشگیرانه، تصمیم‌گیری شورایی، خدمات پزشکی مکمل، زندگی، یادگیری، آموزش و ارتباطات، مدرن‌سازی خدمات اجتماعی، مراقبت از کودکان و سالمندان، انسجام شخصیتی معلولان، محلی‌گرایی اقتصادی و تبادلات اقتصادی تعریف شده)، بُعد اکولوژیکال (تنوع بیابان، بهسازی زمین، طراحی پرماکالچر، تولید، مصرف و بازچرخش غذای ارگانیک محلی، حفاظت آب به‌صورت منطقه‌ای، انرژی تجدیدپذیر، ساختمان اکولوژیکی، آنالیز چرخه زندگی، تجارت سبز)، بُعد فرهنگی و معنوی (اخلاقیت، شکوفا کردن فردی، معنویت، شناخت بیشتر خدا، نزدیک شدن به طبیعت، احترام به فرهنگ‌ها و چرخه طبیعی، گردش زندگی، جهان‌بینی، علم و فلسفه، محلی کردن، زیست‌اقليم‌ها، مقاومت در برابر جهانی شدن)	مدل بوم روستا

منابع: رامش و سیورام، ۲۰۰۶: ۲؛ صادقلو و همکاران به نقل از آنت و ریفکین، ۱۷:۱۹۹۵؛ احمدی، ۴۷:۱۳۹۷؛

نورالدین و معین‌مهر، ۱۳:۱۳۹۲؛ رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۲۰۸:۱۳۹۲.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، مبتنی بر منطق استقراء و پارادایم تفسیری از روش‌شناسی کیفی استفاده شده است. دلیل انتخاب این روش، نو بودن مسئله و آشکار نبودن ابعاد پدیده «روستای خوب» است. رویکرد حاکم بر روش تحقیق، پدیدارشناسی است. در این رویکرد یک محقق کیفی، پدیده را

در محیط طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می‌کند، پدیده را برحسب معنایی که جامعه محلی به آن می‌بخشند و آن‌طور که مردم به‌صورت محلی تجربه کرده‌اند، معنادار کرده و تفسیر کند (محمدپور، ۱۳۹۲ : ۹۳).

جامعه هدف این پژوهش، روستاییان روستای ورس از توابع دهستان حصارخروان بخش محمدیه واقع در شهرستان البرز استان قزوین هستند. این روستا به‌لحاظ طبیعی در موقعیت کوهپایه‌ای با آب‌وهوایی معتدل و سرد کوهستانی قرار گرفته است. جمعیت روستای ورس ۶۷۷ نفر در قالب ۲۳۱ خانوار است (مرکز آمار ایران: ۱۳۹۵). زبان محلی مردمان این روستا تاتی است و از نظر باورهای دینی نیز به دین اسلام و مذهب شیعه معتقد هستند. از نظر ساختار اقتصادی به‌اذعان اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش، حدود ۷۰ درصد مردان و جوانان ورسی به فعالیت‌های در شهرهای بزرگ مانند تهران، کرج و قزوین مشغول هستند. فعالیت‌های اقتصادی دیگری که روستاییان از آن طریق کسب درآمد می‌کنند، فعالیت‌های بخش کشاورزی (باغداری، زراعت، دامداری) و مشاغل بخش خدماتی است. از لحاظ ویژگی‌های کالبدی، روستا دارای خدمات زیرساختی و روساختی است.

در میدان مطالعه، انتخاب شرکت‌کنندگان پژوهش با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این روش بر اساس هدف (کشف انتظارات جامعه محلی از شرایط روستای خود)، انتخاب مشارکت‌کنندگان با معیارهایی چون جنس (زن و مرد)، گروه‌های سنی (کودکان، جوانان، میان‌سالان و سال‌خوردگان) و سطح آگاهی و تجربه‌شان انجام گرفت. تعداد مشارکت‌کنندگان نیز با روش اشباع نظری تعیین شده است. داده‌هایی که از این شرکت‌کنندگان برای پاسخ به سؤال پژوهش به‌دست آمد، با فنون مصاحبه عمیق (ساختارنیافته) و روش تصویر ذهنی با استفاده از ابزار چک‌لیست مصاحبه و نقاشی از همه رده سنی جامعه محلی ورس جمع‌آوری و برای مرحله تفسیر، پیاده‌سازی و آماده شد. گروه پژوهش پس از مصاحبه با ۱۹ فرد بزرگ‌سال (۷ مرد، ۲ زن) و ۹ شرکت‌کننده کودک و نوجوان (۱ پسر، ۸ دختر) (جدول شماره ۲ و ۳) به اشباع نظری رسید و مطالعه میدانی را خاتمه داد. در گام بعدی، برای تحلیل داده‌ها از فن کدگذاری استفاده شد. در این فن داده‌های جمع‌آوری شده طی سه مرحله کدبندی باز، محوری و گزینشی معناسازی و مقوله‌بندی شدند. برآیند این مسیر تعیین ۲۰ مقوله اصلی از

ادراک جامعه محلی ورس است. نهایتاً، چارچوب مفهومی مبتنی بر ادراک جامعه محلی در چارچوب «روستای خوب» ترسیم و ارائه شد.

جدول ۲. ویژگی عمومی مشارکت‌کنندگان بزرگسال

مصاحبه‌شونده	جنس	سن	تحصیلات	شغل
کد ۱	زن		دیپلم	خانه‌دار / مسئول فرمانده بسیج روستا
کد ۲	مرد	۷۸ سال	...	بازنشسته
کد ۳	زن	۷۰ سال	...	خانه‌دار
کد ۴	مرد	۲۸ سال	لیسانس مکانیک	کارگر شرکت تولیدی
کد ۵	زن	۴۱ سال	پنجم ابتدایی	خانه‌دار
کد ۶	زن	۳۰ سال	دیپلم مدیریت خانواده	خانه‌دار
کد ۷	زن	۳۰ سال	لیسانس حسابداری	بیکار
کد ۸	زن	۳۱ سال	فوق‌دیپلم حسابداری	خانه‌دار
کد ۹	مرد	۳۱ سال	دیپلم	آزاد
کد ۱۰	زن	۴۵ سال	پنجم ابتدایی	خانه‌دار / کارگر شرکت تولید ماسک
کد ۱۱	زن	۴۸ سال	...	خانه‌دار / روضه‌خوان روستا
کد ۱۲	زن	۳۷ سال	دوم دبیرستان	خانه‌دار / آرایشگر / جانشین فرمانده بسیج روستا
کد ۱۳	مرد	۷۰ سال	بی‌سواد	بازنشسته / کشاورز
کد ۱۴	زن	۵۴ سال	بی‌سواد	خانه‌دار
کد ۱۵	زن	۲۲ سال	دیپلم	بیکار
کد ۱۶	مرد	۱۹ سال	دیپلم آسانسور	کارگر شرکت تولید ماسک
کد ۱۷	زن	۷۰ سال	ابتدایی	خانه‌دار
کد ۱۸	مرد	۴۹ سال	دیپلم	کاسب / کشاورز / عضو شورای اسلامی روستا
کد ۱۹	مرد	۴۳ سال	لیسانس	دهیار روستا

جدول ۳. ویژگی عمومی مشارکت کنندگان کودک و نوجوان

مشارکت کننده	جنس	سن	تحصیلات
کد ۱	دختر	۱۲	کلاس پنجم ابتدایی
کد ۲	دختر	۱۰	کلاس سوم ابتدایی
کد ۳	دختر	۱۳	کلاس ششم ابتدایی
کد ۴	دختر	۱۴	کلاس هفتم ابتدایی
کد ۵	دختر	۹	کلاس سوم ابتدایی
کد ۶	دختر	۱۳	کلاس ششم ابتدایی
کد ۷	دختر	۱۴	کلاس هفتم ابتدایی
کد ۸	دختر	۱۱	کلاس چهارم ابتدایی
کد ۹	پسر	۸	کلاس دوم ابتدایی

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش

مقوله‌های اصلی مستخرج از ۲۸۶ کد مفهومی شناسایی شده، با تأکید بر ویژگی‌های روستای خوب از نگاه جامعه محلی، یافته‌های این پژوهش هستند که در جدول (۴) در ارتباط با مفاهیم و واحدهای معنایی و نیز شواهد، ارائه شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تجربه و ادراک جامعه محلی ورس، ویژگی‌های یک روستای خوب را پدیدار کرد. طبق یافته‌های تحقیق، ۶۹ مقوله محوری در چارچوب ۲۰ مقوله فرعی و یک مقوله اصلی (یا گزینشی) اشاره شده به عنوان ادراک و دریافت مشارکت‌کنندگان از ویژگی‌های روستای خوب مطرح شد. مقوله‌های اصلی که در پیوند با تجربه، نیاز و تصویر ذهنی افراد مشارکت‌کننده از محل زندگی‌شان شکل گرفته است، در قالب خط داستان روستای خوب تفسیر و تشریح شده است و نهایتاً نیز پاسخ به سؤال اصلی پژوهش حاضر مبنی بر اینکه «جامعه محلی چه درکی از روستای خوب دارد؟»، ارائه و مدل مفهومی روستای خوب ترسیم شد.

جدول ۴. کدهای مفهومی شناسایی شده، واحدهای معنایی و مقوله‌های اصلی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
تجربه زیسته نسبتاً مناسب از زندگی در روستا	محدودیت دسترسی به آب کشاورزی
	ضعف مشارکت جامعه محلی در طرح‌های توسعه روستا
	ضعف فعال‌سازی فرصت‌های اشتغال برای روستاییان
	حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا
	پایین بودن سطح درآمد
	شهرگرایی
	ضعف در داشتن محیط پوشش گیاهی مناسب در بافت کالبدی
	باور به ارزش‌های دینی
	تضعیف معماری بومی
	ضعف امکانات رفاهی
	گرایش روستاییان به مادی‌گرایی و فردگرایی
	پایین بودن سطح مهارت روستاییان
	تعارض منافع بین دولت و مردم
	تضعیف بنیان خانواده
	وجود ظرفیت‌های توسعه اشتغال
	وجود انسجام اجتماعی
	بهره‌مندی از سلامتی جسم و روان
نامناسب بودن شبکه حمل و نقل روستا	
نامناسب بودن محیط زیست روستا	
گسترش تعامل روستایی- شهری	

منبع: یافته‌های پژوهش

تفسیر مقوله‌ها (خط داستان روستای خوب)

تفسیر داده‌ها و یا به بیان دیگر خط داستان عبارت است از توضیح مفصل و جزء به جزء مقوله‌های محوری با ارجاع به یادداشت‌ها، خلاصه‌ها، استناد به نقل قول‌های افراد مشارکت‌کننده. در این بخش از پژوهش حاضر، گروه پژوهش در قالب خط داستان روستای خوب، مقوله‌ها را توضیح و روابط منطقی آن‌ها را بیان و هریک از مقوله‌ها با استناد به شواهد و تصاویر نقاشی‌ها را تفسیر و تبیین کرده است. تفاسیر به شرح زیر است:

• محدودیت دسترسی به آب کشاورزی

آب کشاورزی ورس برای کاشت محصولات باغی و زراعی از طریق کانال‌هایی که از رودخانه‌های داخل روستا منشعب شده‌اند، تأمین می‌شود. اما از صحبت‌های برخی مشارکت‌کنندگان مشخص شد که در فصول گرم سال، این رودخانه که از داخل روستا می‌گذرد، دچار کم‌آبی و یا حتی بی‌آبی خواهد شد. این موضوع بر میزان آب موردنیاز کشاورزان در چنین مواقعی تأثیر گذاشته و روستاییان را با مقوله «محدودیت دسترسی به آب کشاورزی در فصول گرم سال» روبه‌رو می‌کند. این محدودیت موجب شده است کسانی که علاقه‌مند به کار کشاورزی هستند منصرف شوند و به‌همین خاطر بسیاری از زمین‌های مستعد کشاورزی بلااستفاده بماند. در این خصوص مشارکت‌کننده کد (۲) می‌گوید: «روستای ورس آب آشامیدنی دارد ولی آب کشاورزی ندارد... اگر آب باشد زمین‌های پایین‌دست روستا (ورودی روستا) برای احیای مناسب است هم خاک خوب دارد...».

نیاز کشاورزان به آب در همه فصول سال و اهمیت دسترسی با آن در زمین‌های زراعی در نقاشی زیر به‌خوبی دیده می‌شود و اینکه روستایی از نظر نقاش خوب و ایدئال است که کشاورزی آن رونق داشته باشد و نیاز قشر کشاورز روستا موردتوجه قرار گیرد. این نقاشی را کد (۸) ترسیم کرده است.



• ضعف مشارکت جامعه محلی در طرح‌های توسعه روستا

در طرح‌های توسعه روستایی که تاکنون برای ورس تهیه و اجرایی شده است، از نقش مردم استفاده نشده، متولیان برنامه‌ریزی روستا، آنان را در هیچ‌یک از مراحل به‌ویژه در مرحله تهیه و نیازسنجی طرح دخالت نداده‌اند و جامعه محلی ورس را با مسئله‌ای با عنوان «ضعف مشارکت جامعه محلی در طرح‌های توسعه روستا» روبه‌رو کرده است. در ارتباط با این مقوله، مشارکت‌کننده‌ای (کد ۱۸) به‌طور ضمنی در سه بخش از صحبت‌های خود، که هر یک وجهی از ضعف مشارکت روستاییان را آشکار می‌سازد، به آن اشاره کرده است. در بخش اول، او از نقش نداشتن مردم این‌طور بیان می‌کند:

«...در این طرح (طرح هادی روستای ورس) اصلاً از مردم نپرسیدند که روستایی چه نیازی دارد...چه می‌خواهد...». و در بخشی دیگر، بر نداشتن اختیارات دهیاری اصرار دارد: «... من دهیار مجری طرح هستم مجبورم هرچه مشاور طرح‌ها بگویند من اجرا کنم...».

• ضعف فعال‌سازی فرصت‌های اشتغال برای روستاییان

یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی که از نظر روستاییان، به‌عنوان مانعی برای ادراک تجربه زیستن در روستایی خوب محسوب می‌شود، مقوله «ضعف فعال‌سازی فرصت‌های اشتغال برای روستاییان» است. نبود فرصت اشتغال مناسب در روستا برای مردان، زنان و به‌ویژه جوانان، موجب شده است که تعداد بسیاری از مردان روستای ورس برای به‌دست‌آوردن شغل و منبع درآمد به خارج از روستا رفته و در شهرهای بزرگ (تهران، کرج)، به فعالیت‌ناوایی و فعالیت‌کارگری در بخش صنعت مشغول شوند و خطرات و مشکلات اشتغال دور از خانواده را به‌جان بخرند. در این خصوص یکی از مشارکت‌کنندگان خانم (کد ۱) در مصاحبه عنوان می‌کند:

«آگه برای مردانمان هم اشتغال‌زایی بشه، آن‌هایی که به‌خاطر کار به شهرهای تهران، کرج رفتن برمی‌گردن...۷۰-۸۰ درصد مردهای روستا نانوا هستن و برای کار بیرون از روستا هستن...».

جامعه محلی روستای ورس بر این باور بودند که در روستایشان، ظرفیت‌های بالایی به‌منظور ایجاد اشتغال توسط خود آنان وجود دارد. این دولت است که باید با حمایت‌های

سرمایه‌ای و قانونی، زمینه‌ساز کارآفرینی روستاییان باشد. در این ارتباط مشارکت‌کننده (کد ۱۳) خاطرنشان می‌کند:

«جهادکشاورزی چند سال پیش آمد در روستا برای ایجاد اشتغال مانند کارهایی مثل زنبورداری، کاشت زعفران یا کاشت گل‌محمدی. ما هم رفتیم در کلاس‌های جهاد شرکت کردیم. زمین هم برای خودمان داشتیم. اما تسهیلاتی که قرار بود دریافت کنیم، اقساط بازپرداخت آن با درآمد ما نمی‌خواند. ترسیدیم و قبول نکردیم. خب دولت حمایت از تولید نمی‌کند وگرنه چرا اینقدر قسط وام‌ها باید زیاد باشد...».

• حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا

مشارکت‌کنندگان پژوهش، «حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا» را یکی دیگر از وجوه روستای خوب بیان کردند. منظور از آثار فرهنگی و طبیعی، همه آن چیزی است که از گذشته، محیط طبیعی و نیز انسان‌هایی که در گذشته در این روستا می‌زیسته‌اند، برای نسل امروز و جامعه محلی ورس به ارث گذاشته‌اند. ارزش‌ها و هنجارها، آیین‌ها و رسوم سنتی مردم روستا، لباس‌های سنتی، نوع غذاهای بومی، و حتی آثاری مانند ظروفی که در زیر زمین روستا مدفون هستند، نحوه دفن مردگان در گورستان قدیمی روستا و نیز حتی رودخانه و کوه و دره و هر آنچه که طبیعت در اختیار آنان گذاشته است، می‌تواند جزء داشته‌ها و سرمایه‌های فرهنگی و طبیعی جامعه محلی ورس محسوب شود. بنابراین هم باید خود روستاییان و هم کسانی که به‌عنوان گردشگر و از بیرون روستا وارد آن می‌شوند، برای حفظ این سرمایه‌ها، بکوشند و به فرهنگ و طبیعت مردم ورس احترام بگذارند. وجود عنصر موزه در نقاشی یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۲) بر این موضوع صحنه می‌گذارد: «ترسیم موزه در روستا، نشان از اهمیت حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و میراث گذشتگان را می‌فهماند».



درارتباط با این مقوله، مشارکت‌کننده کد (۱۸) احترام نگذاشتن گردشگران به فرهنگ، محیط زیست و دارایی‌ها و منفعت روستاییان، این موضوع را با مقوله «حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا» مرتبط می‌داند. این مسئله نارضایتی مردم ورس را به دنبال داشته و خواهان حل این مشکل از طرف مدیریت روستا هستند. او دراین باره این چنین اظهار می‌کند:

«گردشگرانی که آخر هفته و روزهای تعطیل به روستا می‌آیند، جز اینکه فرهنگ مردم روستا را تغییر دادند با آن ظاهر ناسازگارشان... با آن فرهنگ شهری و غیر روستایی خودشان و هم اینکه درآمدی عاید مردم روستا نمی‌شود و فقط دهیاری روزهای شنبه باید زباله‌هایی که مردم از بیرون می‌آیند را جمع کند... چون هنوز هیچ سازوکار گردشگری فراهم نیست...».

• پایین بودن سطح درآمد

یکی دیگر از نیازهایی که روستاییان به آن اشاره داشتند، پرداختن به مقوله «پایین بودن سطح درآمد روستاییان» است. به‌اذعان اکثر مشارکت‌کنندگان، وضعیت درآمد و وضعیت متوسطی است، اما برخی نیز بر وجود تورم و گرانی‌ها و هماهنگ نبودن درآمد با مخارج زندگی‌شان اصرار داشتند. در ارتباط با این موضوع شاهد زیر می‌تواند مثال خوبی باشد. مشارکت‌کننده کد (۱۲) می‌گوید:

«گرانی هست... حقوق ۴۰۰ تومان اضافه کردند ولی جنس چند برابر اضافه شده است...».

مشارکت‌کننده دیگر (کد ۱۴) با اشاره به سود کم تولیدات روستایی، پایین بودن درآمدها را معنا می‌کند: «ما خانم‌های روستای ورس هنر قالی‌بافی انجام می‌دادیم... اما چون به‌صرفه نیست دیگر انجام نمی‌دهیم...».

• باور به ارزش‌های دینی

مقوله «باور به ارزش‌های دینی» بیانگر حساسیت مردم ورس نسبت به حفظ ارزش‌های دینی، به‌رغم تغییرات انجام شده است. منظور از ارزش‌های دینی، عمل کردن به شعائر و واجبات دینی است. در روستای ورس ضمن اینکه باور به بسیاری از عناصر مذهبی، سنتی و قدیمی دگرگون شده است اما مردم همچنان بر باورهای اساسی خود اصرار داشته و در حفظ آن تا حد امکان می‌کوشند. از نظر جامعه محلی ورس، روستای خوب بایستی عنصر مسجد در بافت و کالبد آن وجود داشته باشد تا بتوانند در آن مکان نیاز به پرستش معبود را که در فطرتشان نهادینه شده است، پاسخ دهند. این مطلب را از تفسیر وجود عنصر مسجد در برخی از نقاشی‌های کودکان اهل ورس می‌توان برداشت کرد. (نقاشی زیر).



در تأکید بر مقوله فوق، مشارکت‌کننده‌ای دیگر (کد ۱۳) اثرات منفی تغییرات در برخی ارزش‌های دینی مانند «حیا» و «حجاب» را در ذهنیت خود نسبت به روستایش مطرح می‌کند. او

در این باره می‌گوید: «قدیما خیلی بهتر حیا و حجاب بود همه رعایت می‌کردند... الان دوره‌اش تمام شده دیگه بر نمی‌گردد...».

• شهرگرایی

این مفهوم گویای این مطلب است که در جامعه ورس، به دلیل رشد تکنولوژی، نفوذ تفکر مدرنیزاسیون و یا حتی تأثیرات رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی، موجب شده است مردم روستا نگاهی شهرگرایانه به روستایشان داشته باشند و از این نگاه وضعیت مطلوب را برای روستایشان متصور شوند. برخی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، روستای خوب را این‌طور در ذهن درک کرده‌اند که یا باید روستا شبیه شهر باشد و امکانات و جذابیت‌های شهر را داشته باشد و یا باید به شهر مهاجرت کنند و آنجا را برای زیستن انتخاب کنند. این تفکر هم در نسل بزرگسال رسوخ کرده است و هم نسل کودک را تحت تأثیر خود قرار داده است. نقاشی کد (۳) مثالی گویا و شاهدهی دقیق برای این مطلب است. تفسیر این نقاشی از دو وجه مقوله شهرگرایی قابل شرح و توضیح است.



وجه اول: «روستایی که در آینده، این نقاش در ذهن خود ساخته است، روستایی مدرن با نمادهای تفکر مدرنیستی است».

وجه دوم: نیز بر گرایش دختران روستا به دوچرخه‌سواری تأکید دارد که قبلاً این سرگرمی در میان جنس دختر و زن روستایی متداول نبوده است.

همچنین مشارکت‌کننده‌ای دیگر (کد ۷) با توجه به ارتباطش با شهر از طریق تعامل روزانه و کنش با بستگان ساکن در شهر بر علاقه‌مندی خود به زندگی در شهر اصرار و اظهار دارد:

«خیلی دوست دارم که روستا مثل شهر باشد امکانات آنجا (شهر) را داشته باشد... اینجا امکانات زیربنایی و رفاهی کم است».

• ضعف در داشتن محیط پوشش گیاهی مناسب در بافت کالبدی

بر اساس مشاهدات وضع موجود روستای ورس به لحاظ بوم‌شناختی و برخورداری روستا از چشم‌انداز طبیعی، در بافت و فضای کالبدی روستا، وجود عناصر طبیعی و سرسبز مانند درخت، پوشش گیاهی و فضای سبز کم‌تر به چشم می‌خورد. دلیل ایجاد این وضعیت علاوه بر اینکه روستا در طبیعتی کوهستانی و نیز شرایط آب‌وهوایی با بارشی سالانه نه‌چندان چشمگیر استقرار یافته است، می‌تواند به دلیل شرایط انسانی نیز باشد. در تبیین این شرایط که چه عامل انسانی باعث کمبود فضای سبز در بافت و کالبد روستا شده است، می‌توان به عدم وجود برنامه و پروژه‌هایی از نوع کاشت درخت و نیز احداث فضاهایی با چشم‌انداز طبیعی و سرسبز از سوی مدیریت روستای ورس اشاره کرد. در چنین شرایطی است که ادراک جامعه محلی از روستای خوب، روستایی است که سرسبز باشد و از مناظر طبیعی و عناصری مانند درخت برخوردار باشد. در همین رابطه، در نقاشی زیر یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۵)، از عنصر درخت به خوبی سرسبزی روستا را به تصویر کشیده است: «در این نقاشی درختان انبوه بر سرسبز بودن روستا تأکید دارد».



مشارکت‌کننده‌ای (کد ۱۸) در مصاحبه درک خود را از روستای ایدئالش این‌طور بیان می‌کند:

«روستای موردنظر من روستایی است که سبز باشد... پراز درخت و سرسبزی...».

• تضعیف معماری بومی

«تضعیف معماری بومی» مقوله‌ای است که مشارکت‌کنندگان تحقیق، به‌صراحت به‌عنوان تغییری در تجربه زیست آن‌ها در روستای خوب، به آن اشاره داشته‌اند. مردم روستای ورس عقیده دارند زمانی، آن‌ها زندگی در روستای خوب را تجربه و درک می‌کنند، که دیدن معماری خانه‌ها و مصالح به‌کاررفته در سازه‌ها در بافت روستا، آن‌ها را به یاد گذشته بیندازد. همان بافت روستایی که رنگ‌وبوی گذشته را در ذهن آن‌ها تداعی می‌کند. بافتی متشکل از خانه‌های کاه‌گلی با سقفی چوبی، کوچه‌هایی با دیوارهای خشتی و خانه‌هایی ساخته‌شده با مصالحی که طبیعت روستای ورس آن را به مردمش بخشیده است. روستایی که جزءبه‌جزء‌اش، حال‌وهوای روستا را داشته

باشد و زندگی در روستایی که حال و هوای شهر را در ذهنشان یادآور شود را نمی‌پسندند: خانه‌های فلزی و بتنی؛ کوچه‌هایی با آسفالت سیاه و بی‌روح؛ خانه‌هایی با معماری و سبک شهری. وقتی در ارتباط با معماری بومی روستا با آن‌ها صحبت می‌شد، آن‌ها این‌گونه بیان می‌کردند که دوست دارند روستا را از نو با همه زیبایی‌های معماری بومی و محلی‌اش بسازند و چشم‌اندازی روح‌نواز را در ذهن روستاییان معماری کنند. در همین رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان روستا (کد ۴) این‌گونه درک خود را از این وضعیت بیان می‌کند:

«من همیشه به زمان بچگی و خاطرات آن‌موقع فکر می‌کنم. روستای ورس خیلی سستی‌تر و قشنگ‌تر بود... حمام عمومی و آن بافت خانه‌ها که سقفشان چوبی و گاه‌گلی بودند یادم می‌آید. الان همه چیز تغییر کرده. جالب نیست برام. دلم می‌خواهد که روستا برگردد به همان زمان بچگی، اگر این‌طوری بشود، بسیار رؤیایی است.»

در نقاشی کودکان ورسی نیز می‌توان به وضوح برداشت کرد که از نظر کودکانی که حتی در زمان قدیم زندگی نکرده‌اند و آن حس و حال را تجربه نکرده‌اند، روستایی خوب است که خانه‌ها سبک معماری قدیمی و بومی داشته باشد. این مطلب به خوبی در نقاشی کد (۱) دیده می‌شود:



• ضعف امکانات رفاهی

این مقوله نشان می‌دهد احساس نیاز جامعه محلی به حل این ضعف، روستایشان را به روستایی که آن را با ویژگی خوب بودن ادراک کرده‌اند، نزدیک می‌کند. به گفته بسیاری از

مشارکت‌کنندگان تحقیق، روستای ورس یا از امکانات رفاهی به‌طور حتم برخوردار نیست، مانند (فضای ورزشی، فضای بازی، سرگرمی و گذران اوقات فراغت زنان و جوانان و کودکان) و یا برخی امکانات خدمات باکیفیتی به مردم روستا ارائه نمی‌دهد، مانند ضعف کیفیت آموزش دانش‌آموزان در مقطع دبستان، پایین بودن کیفیت خدمات پزشکی عمومی و زنان.

در همین ارتباط مشارکت‌کننده خانمی (کد ۱۵) این‌گونه عنوان می‌کند:

«برای اینکه بچه‌ها هم از این بلا تکلیفی و بی‌کار بودن در بیابند و در کوچه و خیابان کمتر بازی کنند، موتوربازی می‌کنند...».

این عدم برخورداري مانند نبود امکان خدمات بانکی، نبود خرده‌فروشی (قصابی، لباس‌فروشی، ...)، نبود آرایشگاه زنانه و مردانه و... موجب شده است که روستاییان برای رفع نیاز روزمره خود نیز به روستاها و شهرهای نزدیک روستای ورس رفت‌وآمد داشته باشند و این موضوع باعث اتلاف وقت و پول آن‌ها شود و نارضایتی اهالی روستا را به دنبال داشته باشد. در این رابطه، مشارکت‌کننده دیگری (کد ۱۵) به عدم برخورداري روستا از امکان تحصیل دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان اشاره می‌کند:

«مردم روستا اکثراً هم در شهر خانه دارند و هم در روستای ورس و فصل درس و دانشگاه می‌روند شهر، نیستند. خب مجبورند. کمبود کلاس مقطع دبیرستان و دانشگاه داریم یعنی دبیرستان نداریم به همین خاطر در این فصل شهر هستند...».

• گرایش روستاییان به مادی‌گرایی و فردگرایی

از نظر مشارکت‌کنندگان، تغییراتی در روحیه اجتماعی مردم روستا رخ داده است. آنان که تجربه زیستن در زمان گذشته در روستا را داشته‌اند، معتقدند بر اساس این تغییر، امروزه مردم کمتر یکدیگر را درک می‌کنند. سازگاری‌شان نسبت به یکدیگر کم شده و هرکس به فکر خودش است. روابط سرد و تعاملات اجتماعی کم‌رنگ و در نتیجه صفا و صمیمیت بین مردم کاهش پیدا کرده است و جامعه محلی ورس را با چالشی با عنوان «شکل‌گیری حس مادی‌گرایی و فردگرایی بین روستاییان» روبه‌رو کرده است. این چالش موجب ناخرسندی از زندگی اجتماعی‌شان شده است. در این ارتباط، مشارکت‌کننده کد (۱۶) به این نکته به‌خوبی اشاره

می‌کند: «ملت ناسازگار شده‌اند... همدیگر را درک نمی‌کنند. دیگر روستای ورس صفا ندارد». یا همین مشارکت‌کننده اضافه می‌کند:

«... الان همه به فکر خودشانند. در گذشته چون همه در یک سطح بودند و برای همدیگر کلاس نمی‌گذاشتند، همدیگر رو درک می‌کردند...».

• پایین بودن مهارت در بین روستاییان

در روستای ورس، «ضعف دانش رسمی و مهارتی روستاییان»، باوجود دو واقعیت در روستا تفسیر می‌شود. واقعیت اول به بالا نبودن سطح علمی و تحصیلی مردم روستا اشاره دارد. به‌اذعان برخی مشارکت‌کنندگان به دلایل مختلف، جوانان روستا بعد از فراغت از مقطع دیپلم، زمینه برای ادامه تحصیل در دانشگاه و مقاطع بالاتر برایشان یا وجود ندارد یا بسیار ضعیف است. در صورتی که علاقه‌مندی در بین مردم روستا برای ارتقای سطح علمی وجود دارد. صحبت‌های مشارکت‌کننده کد (۴) به وجود این ضعف در روستا گواهی می‌دهد. این مشارکت‌کننده معتقد است که این ضعف به رشد روستا لطمه وارد می‌کند:

«خیلی از جوانان می‌دانند که سرنوشتشان ختم به کارگری در نانوائی‌ها و یا شرکت‌های شهر صنعتی قزوین می‌شود، درس را کنار می‌گذارند، درس نمی‌خوانند و بلافاصله بعد از دیپلم دانشگاه نمی‌روند و همراه بزرگ‌ترها می‌روند تهران و کرج... و در نانوائی‌ها مشغول می‌شوند... همین مسئله باعث شده سطح علمی جوانان روستا خیلی بالا نباشد. این به رشد روستا لطمه می‌زند...».

واقعیت دومی که این مقوله را ایجاد می‌کند، نیاز مردان، زنان و جوانان به افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است که امکانات و زمینه پاسخگویی به آن در روستا وجود ندارد. مشارکت‌کننده کد (۵) بر نبود امکانات آموزش مهارت در روستا این‌گونه بیان می‌کند:

«کلاس‌های آموزشی نداریم نه برای خانم‌ها نه برای بچه‌ها... برادر من خیلی علاقه داشت مکانیک شود ولی نشد چون جایی نبود که یاد بگیرد...».

• تعارض منافع بین دولت و مردم

در روستای ورس، وجود «تعارض منافع بین دولت و مردم» موجب نارضایتی جامعه محلی از وضع موجود شده است. آن‌ها با رجوع به تجربه زندگی در گذشته، در روستایی که دولت خیلی

در کارها و امور روستا دخالتی نداشت، بر این نکته تأکید دارند که حضور دولت در مسائل حقوقی به خصوص مالکیت زمین موجب نگرانی و ایجاد مزاحمت آنان شده است. روستاییان یکی از راه‌های رسیدن به چارچوب روستای خوب را برطرف کردن این مسئله در روستایشان می‌دانند. آنان خواهان تغییر این وضعیت به سمت انتفاع جامعه محلی هستند. بر این اساس، یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۲) با اشاره به مشکل مالکیت زمین در روستا به‌طور ضمنی بر وجود مقوله تعارض منافع بین دولت و مردم صحنه می‌گذارد و نارضایتی خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«چند سالی هست منابع طبیعی روستاییان را اذیت می‌کند و مشکل ایجاد کرده است. خیلی از زمین‌های زراعت مردم در اطراف روستا را گرفته تا امامزاده اسحاق که از زمین‌های روستای ورس است و می‌گویند که این زمین‌ها مال منابع ملی است... اگر سازمان منابع طبیعی مزاحمت ایجاد نکند از ۳۰۰ هکتار زمین دیمی روستا تا ۵۰۰ هکتار هم برای کاشت گندم و جو ... می‌رسد. همین باعث شده است که مردم درآمدشان کم شود...».

و مشارکت‌کننده دیگری (۱۲) از نارضایتی خود نسبت به بدقولی مسئولین و اجرایی نشدن وعده و وعیدهای دولت‌مردان می‌گوید و شاهدهی دیگر را در ارتباط این مقوله خاطر نشان می‌سازد:

«مسئولین فقط تبلیغات دارند ولی در اجرا هیچ. بدقولی مسئولین زیاده... اگر حرفشان را اجرا کنند خیلی خوب می‌شود. الان اگر بخواهیم وام بگیریم باید فیش حقوقی و ضامن معتبر ببریم این همه سخت می‌گیرند... وضعیت مالی سخت است.».

• تضعیف بنیان خانواده

مقوله «تضعیف بنیان خانواده» با مفاهیمی همچون نگرانی پدر و مادرها از آینده فرزندان، حضور نداشتن پدر در خانواده و کم شدن احترام به بزرگ‌ترها در بین جامعه محلی ورس قابل تفسیر و توضیح است. انقلاب اطلاعات مبتنی بر توسعه فناوری‌های جدید که شبکه‌ای شدن جامعه را سبب شده، بستری را فراهم ساخته تا عناصر فرهنگی جدیدی وارد خانواده‌های روستایی شود. این عناصر که غالباً در تضاد با ساختارهای دینی و مذهبی آنها است، معضلات جدیدی را به وجود آورده است. این معضلات، بعضاً زمینه‌ساز برهم خوردن بنیان خانوارهای روستایی شده

است. از این رو، روستایی از نظر جامعه محلی ایدئال و خوب است که بنیان خانواده تقویت و روابط بین اعضای آن قوی باشد.

مشارکت‌کننده کد (۷) به تمایل حضور پدر خانواده اشاره دارد:

«دوست دارم پدر و مادرهای ما در روستا همین‌جا کار کنند. یا حداقل در شهرهای نزدیک کار کنند. نه اینکه بروند تهران و هر دو هفته‌ای یا بیشتر به خانه بیایند...».

مشارکت‌کننده دیگری (کد ۱۱) کم شدن احترام به بزرگ‌ترها را به تضعیف بنیان خانواده گره می‌زند:

«قدیم این‌طور نبود بچه به بزرگ‌ترها احترام خاصی می‌گذاشتند...».

• وجود ظرفیت‌های توسعه اشتغال

روستای ورس به دلیل استقرار در موقعیت کوهپایه‌ای و به دور از هیاهو و آلودگی‌های شهری، از نعمت‌ها و برکت‌های طبیعی زیادی برخوردار است. این ویژگی، روستای ورس را به روستایی مساعد برای گذران اوقات فراغت آدم‌هایی فراهم کرده که می‌خواهند به دور از شلوغی شهر در فضایی آرامش‌بخش و در هوایی مطبوع نفس بکشند و از طبیعت روستایی لذت ببرند. آب‌وهوای معتدل، کوه‌ها و صخره‌های سنگی که چشم‌نوازی می‌کند. دره سرسبز و عمیقی که رودخانه‌ای بزرگ را از دل روستا عبور می‌دهد، آبشار معروف ورس که لحظاتی باطراوت را برای بازدیدکننده خود می‌سازد و حتی چشم‌انداز باغ‌های سبزی که به دست روستاییان ورسی آباد شده است، همگی می‌تواند پذیرای گردشگرانی باشد که مایل‌اند در چنین مکانی اوقات فراغت خود را بگذرانند. بر اساس این قابلیت طبیعی روستا، جامعه محلی نیز تمایل دارند که با خونگرمی خود پذیرای گردشگران باشند. آن‌ها می‌خواهند که روستایشان به روستای هدف گردشگری تبدیل شده و طرح توسعه گردشگری در روستایشان تهیه و اجرا شود. مشارکت‌کننده کد (۱۷) اظهار می‌کند:

«ورس قابلیت تبدیل به روستای گردشگری را دارد...سازمان گردشگری اگر طرح روستای

هدف گردشگری را تصویب کند روستا رونق می‌گیرد...اشتغال ایجاد می‌شود...».

در روستای ورس علاوه بر اینکه طبیعت ظرفیت توسعه اشتغال را از طریق توسعه گردشگری برای روستاییان فراهم کرده است، توانمندی زنان روستا در تولید صنایع دستی نیز می‌تواند قابلیت برای ایجاد اشتغال از طریق تولید و فروش این محصولات روستایی باشد. زنان روستایی

به بافت فرش دستی مهارتی دیرینه دارند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۴) این‌گونه نیاز خود را بر اساس وجود این ظرفیت بیان می‌کند:

«با شوراها بارها صحبت کردیم که خانم‌ها کارهای درخانه می‌خواهند انجام دهند. شما کمک کنید کارگاه بزنید، سرمایه از شما کار از ما... قالی‌بافی در فضای مدرسه راه بیندازیم... شوهرهای ما کارگرند با دو تا سه تا بچه نمی‌رسد. درآمدمان کفاف زندگی ما را نمی‌دهد...».

• وجود انسجام اجتماعی

«وجود انسجام اجتماعی» یکی دیگر از مقوله‌های شناخت روستای خوب است. امروزه باوجود تمام مشکلات و گرفتاری‌ها، همچنان در بین مردم روستای ورس، تعاملات و ارتباط‌های اجتماعی، رنگ‌وبوی محبت، نوع‌دوستی و همکاری دارد و در تلاطم‌های زندگی، هنوز مردمان روستای ورس با یکدیگر مهربان هستند و به فکر یکدیگرند. از زندگی در روستا راضی هستند و احساس خوبی دارند. وجود این ویژگی در جامعه محلی ورس، می‌تواند یکی از وجوه مثبتی باشد که محلیان را برای داشتن یک روستای مطلوب و آینده‌ای بهتر امیدوار سازد. گواه این موضوع، بخشی از مصاحبه یکی از شرکت‌کنندگان (کد ۱) این تحقیق است:

«مردم باهم کنار میان. به فکر هم هستن. در این ماه رمضان گذشته حدوداً بیست میلیون تومان مردم روستا جمع کردند در مسجد. از همین دامدارهای روستا گوسفند خریدن و قربانی کردن. گوشتش را بین اهالی روستا و بعضی خانواده‌ها که دستشون تنگ بود، پخش کردن...».

• بهره‌مندی از سلامتی جسم و روان

بهره‌مندی روستاییان از نعمت سلامتی جسم و روان، مقوله‌ای است که جامعه محلی ورس آن را برای تجربه و ادراک زیستن در روستایی خوب، ضروری و لازم می‌دانند. اهمیت سلامت جسم و روان روستاییان در صحبت‌های مشارکت‌کننده کد (۱۲) به‌طور ضمنی دیده می‌شود:

«دوران سختی شده. بیماری‌ها زیاد است. اگر سلامتی باشد روستای ما خوب است. قابل زندگی است...».

• نامناسب بودن شبکه حمل‌ونقل روستا

اجزای سیستم حمل‌ونقل، مانند جاده، وسایل نقلیه مسافربری و باربری و نرخ‌های مسافربری در روستای ورس از وضعیتی مناسب برخوردار نیست. تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب،

یکی از نیازهای اساسی جامعه محلی ورس محسوب می‌شود. در ارتباط با این مقوله، یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۳) ، پوشش نامناسب راه روستایی ورس را مطرح می‌کند:

«این جاده‌ای که وارد روستا می‌شویم، از روستای باورس تا ورس خیلی خراب است...».

در روستای ورس تنها دو تاکسی وظیفه جابجایی مسافران را بر عهده دارند. این تعداد با جمعیت روستا تناسبی ندارد و برای اینکه مسافران به‌موقع و راحت به مقصد برسند کافی نیست. در این باره مشارکت‌کننده خانمی (کد ۳) این‌گونه بیان می‌کند:

«در روستای ورس تاکسی کم است، کلاً دو تا تاکسی دارد...».

• گسترش تعامل بین شهر و روستا

جوامع روستایی به ارتباط با شهر و تعامل با دیگر سکونتگاه‌ها برای رفع حاجت‌های خود، نیاز دارد. این ارتباط از شهر به روستا نیز وجود دارد. نوع ارتباطات و حجم آن به نوع و میزان نیاز روستا به شهر و یا برعکس مرتبط است. اگر همان‌طور که روستاییان برای رفع نیازهای خود به شهر مراجعه می‌کنند، شهر نیز برای رفع نیاز شهروندان خود با روستا ارتباط برقرار کند، یک نوع پیوستگی و تعامل سازنده بین این دو سکونتگاه ایجاد می‌شود. شاهد این مقوله در تفسیر یکی از نقاشی‌ها می‌توان یافت. در نقاشی زیر که توسط کد (۷) کشیده شده است، وجود جاده و راهی که از بیرون روستا به داخل است و نیز وجود خودرو در این جاده، بر لزوم توجه به این نیاز که روستاییان برای بقاء خود نیازمند ارتباط و تعامل با شهر هستند.



• نامناسب بودن محیط زیست روستا

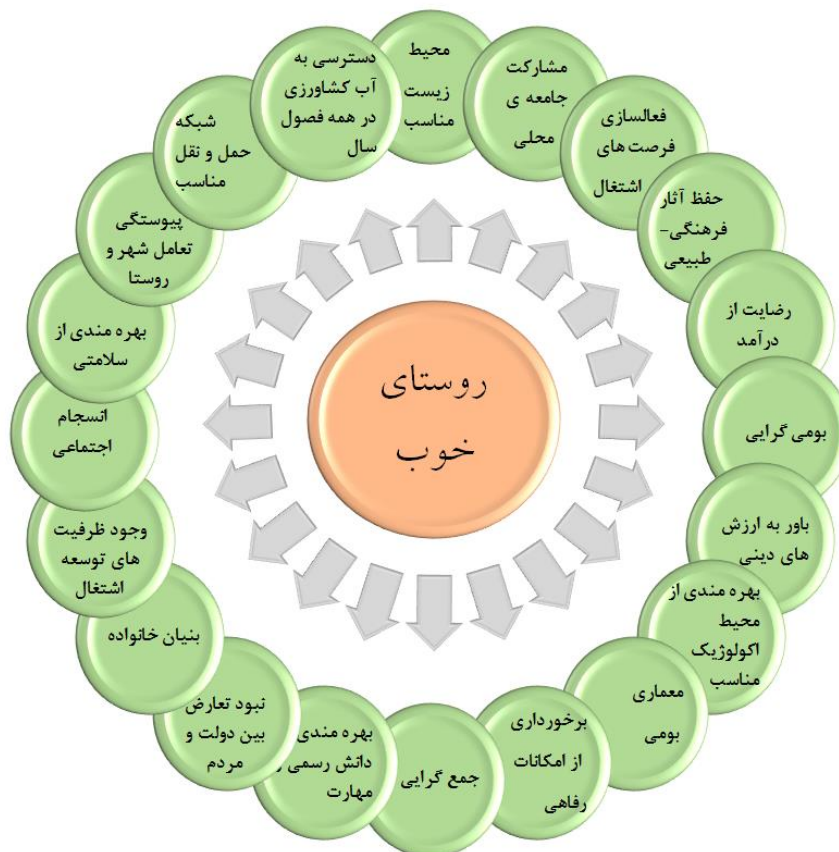
از نظر جامعه محلی ورس، نامناسب بودن محیط زیست آنان در روستا، موجب نارضایتی آنان است. برای اهالی این روستا بااهمیت است که محیط زندگی شان، خیابان ها، کوچه ها، خانه ها هم پاکیزه باشد و هم از زیبایی بصری برخوردار باشد. آنان رعایت این اصول را هم از خود مردم و هم از دهیاری روستا توقع دارند و انتظار دارند که مردم و مدیریت ورس مسئولانه با محیط زیست روستایشان برخورد کنند. مرتبط با این مقوله، یکی از مشارکت کنندگان (کد ۳) این گونه نظر دارد: «دهیاری سطل های آشغال را زیاد بکند. توی همه کوچه ها پخش بکند...». مشارکت کننده دیگری (کد ۱۹)، نظافت جدول دفع فاضلاب را با این مقوله گره می زند و می گوید: «دهیاری به بهداشت جدول ها رسیدگی نمی کند...».

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با بهره گیری از تجربه و ادراک جامعه محلی ورس، ویژگی های یک روستای خوب را پدیدار کرد. روستاییان مبتنی بر تجربه زیسته خود، بر ویژگی های مختلفی از روستای خود تأکید داشتند. برخی از آن ها ماهیتی مثبت داشت که مورد قبول اکثر مشارکت کنندگان بود و برخی ماهیتی منفی داشت. با توجه به اینکه روستاییان مبتنی بر فهم خود گرایش داشتند که روستایشان ویژگی ها با ماهیت منفی را نداشته باشد و روستا در آن جنبه ها مثبت باشد. از این رو، مبتنی بر فهم جامعه محلی روستا باید دارای ویژگی های زیر باشد تا آن را روستای خوب بنامیم (شکل شماره ۱). طبق یافته های پژوهش، ۶۹ مقوله محوری در چارچوب ۲۰ مقوله اصلی اشاره شده به عنوان ادراک و دریافت مشارکت کنندگان از ویژگی های روستای خوب مطرح شد. مقوله های اصلی که در پیوند با تجربه، نیاز و تصویر ذهنی افراد مشارکت کننده از محل زندگی شان شکل گرفته است، عبارت است از:

- ۱- محدودیت دسترسی به آب کشاورزی در فصول گرم سال ۲. ضعف مشارکت جامعه محلی در طرح های توسعه روستا ۳. ضعف فعال سازی فرصت های اشتغال برای روستاییان ۴. حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا ۵. پایین بودن سطح درآمد ۶. شهرگرایی ۷. باور به ارزش های دینی ۸ و ...

۲- از میان مقوله‌های اصلی، «ضعف مشارکت جامعه محلی در طرح‌های توسعه روستا»، «ضعف فعال‌سازی فرصت‌های اشتغال برای روستاییان» و مقوله «حفظ آثار فرهنگی و طبیعی روستا»، از تأثیربخشی بسیاری بر تحقق دیگر مقوله‌ها برخوردارند و از این لحاظ از مهم‌ترین مقوله‌های به‌دست‌آمده از ادراک جامعه محلی ورس (برای تحقق روستای خوب) هستند.



شکل ۱. چارچوب مفهومی روستای خوب مبتنی بر ادراک جامعه محلی

منبع: یافته‌های پژوهش

نظام فضایی یک روستا از ابعاد فرهنگی - اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی و طبیعی - اکولوژیک تشکیل شده است. ماهیت ۲۰ مقوله اصلی که در واقع ادراک جامعه محلی از روستای خوب است، نشان می‌دهد که درک روستاییان از روستای خوب، همه ابعاد یک نظام

روستا را شامل می‌شود و هریک از آن‌ها زیرنظام یکی از ابعاد نظام روستای ورس محسوب می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت روستای خوب، روستایی است که با تحولی یکپارچه و پایدار در تمام زیرنظام‌ها، بستری را برای آرامش و آسایش ساکنین خود فراهم سازد.

به‌منظور اعتباریابی یافته‌ها و نتایج یافته‌ها در این بخش، چارچوب مفهومی روستای خوب که هدف اصلی این پژوهش دستیابی به آن بوده است، با اصولی که الگوهای متداول توسعه روستایی بر آن استوار هستند و همچنین با نتایج پژوهش‌های پیشین تطبیق داده شده است. در مقام مقایسه پژوهش با مبانی نظری و الگوهای برنامه‌ریزی توسعه روستایی متداول و جهان‌شمول، یافته‌های حاضر با اصول (۵) مدل توسعه روستایی با عناوین ۱. مدل روستای نمونه ۲. مدل روستای سالم ۳. مدل بوم روستا و ۴. روستای شهری ۵. مدل روستای هوشمند مورد تطبیق قرار داده شده است. نتیجه این تطبیق نشان می‌دهد که مقوله‌های به‌دست‌آمده با اصول روستای نمونه (۱۰) مقوله، با اصول مدل بوم روستا و مدل روستای سالم (۵) مقوله، با اصول مدل روستای شهری (۴) مقوله و با اصول روستای هوشمند (۱) مقوله هم‌پوشانی دارد. این نشان می‌دهد که یافته‌های این پژوهش با اصول روستای نمونه بیشترین و با اصول روستای هوشمند کم‌ترین هم‌خوانی و هم‌سویی را داراست.

در بخش مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهشی با موضوع «روستای خوب» که بدری و همکاران در سال (۱۳۹۲) مورد مطالعه قرار دادند، مورد تطبیق قرار گرفته است. بر اساس این تطابق این‌گونه می‌توان بیان کرد که یافته‌های این پژوهش با کار بدری و همکاران که ایشان شناسایی الگوی ادراکی روستای خوب را مورد مطالعه قرار داده‌اند، تا حد زیادی هم‌سویی و هم‌خوانی دارد. این بیان به این معنی است که مقوله‌های به‌دست‌آمده از ادراک جامعه محلی ورس شباهت زیادی با مقوله‌های به‌دست‌آمده از ادراک جامعه مورد مطالعه پژوهش مذکور دارد. به‌طوری‌که (۱۵) مقوله پژوهش حاضر با (۱۳) مقوله پژوهش پیشین هم‌پوشانی دارد. اگرچه از مفاهیم متفاوتی برای درک معنا در هر دو پژوهش استفاده شده است، اما درواقع یک مضمون را می‌رسانند.

برآیند پژوهش حاضر ضمن اینکه دستاوردها و اصول تجربه الگوهای توسعه روستایی متداول و قبلی را رد نمی‌کند، بر این اصل تأکید دارد که در الگوسازی مدل توسعه روستای

خوب، احترام به دیدگاه جامعه محلی و ذی‌نفعان برنامه‌های توسعه و مشارکت عملی آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری نه‌تنها از اهمیت بالایی برخوردار است، بلکه لازمه دستیابی به جامعه‌ای پایدار است و بایستی در اولویت قرار گیرد. اولویت قرار دادن دیدگاه جامعه محلی از ویژگی‌های مشترک حاکم بر پارادایم‌های غیر اثباتی است که با رویکردی جامعه‌محور و مشارکتی در زمینه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، طراحی شاخص‌ها با مشارکت مردم را برای دستیابی به جامعه‌ای ایدئال مورد توجه قرار می‌دهند.

برآیند دیگر این پژوهش بر یکپارچگی توسعه روستا اشاره دارد. با توجه به این نکته که مقوله‌های به‌دست آمده در مدل مفهومی روستای خوب در این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد، اولویت‌های جامعه محلی هم اقتصادی‌اند و هم اجتماعی. هم مقوله‌هایی از جنس طبیعی روستا را شامل می‌شود و هم مقوله‌هایی از جنس کالبدی و انسان‌ساخت. هم نیازهای فرهنگی را مدنظر دارد و هم نیازهای سیاسی و نهادی. در واقع دیدگاه جامعه محلی که برخاسته از تجربه و ادراک آنان از وضعیت مطلوب برای محل زندگی‌شان است، فقط به یک بُعد از نظام روستایی اختصاص ندارد. بلکه درک آن‌ها از توسعه و تحول از یک نگاه جامع‌نگر و یکپارچه تبعیت می‌کند.

نهایتاً اینکه: روستای خوب یک مفهوم نسبی است، نه یک مفهوم مطلق. هر روستایی، در هر فضایی می‌تواند گفتمان متفاوت از خوب بودن روستای خود داشته باشد. بنابراین نمی‌توان در برنامه‌ریزی با یک انگاره به روستاها نگریست.

پیشنهادها

با توجه به اینکه «مدل روستای خوب» که مبتنی بر درک و نیاز و مشارکت جامعه محلی در الگوسازی آن برای توسعه نواحی روستایی است، همه ابعادش شناخته‌شده نیست و یافته‌های پژوهش حاضر نیز صرفاً مختص یک روستا است و قابلیت تعمیم‌پذیری به کل جامعه روستایی به صورت عام را دارا نیست، بنابراین ضمن تأکید بر پیشنهادهای پژوهشی، پیشنهادهای کاربردی هم ارائه شده است:

الف) پیشنهادهای پژوهشی: انجام پژوهش‌های مشابه در سایر روستاها برای درک تفاوت در گفتمان‌های روستایی از روستای خوب؛ چارچوب‌سازی مفهومی در راستای بهره‌گیری در سیاست‌گذاری توسعه روستایی در سطح کلان؛

ب) پیشنهادهای کاربردی:

- تدوین منشور توسعه روستا توسط دهیاری روستای ورس مبتنی بر مدل ارائه‌شده؛ کاربرد مدل ارائه‌شده در تدوین انگاره توسعه روستا در طرح‌های مرتبط به‌ویژه طرح هادی روستایی؛ ایجاد نهادی اجتماع‌محور برای پیگیری تحقق مقوله‌های مدل روستای خوب در ورس.

منابع

- احمدی، معصومه (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر رشد هوشمند سکونتگاه‌های روستایی (زمان‌آباد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- بدری، سیدعلی، بیات، ناصر، عزیزی، فاطمه و بیگم حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۹۲). شناخت الگوی ادراکی روستای خوب بر اساس روش‌شناسی کیفی، مطالعه موردی: روستای کرفس (شهرستان رزن-استان همدان). مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۴، ۷۷۵-۷۴۹.
- بهبادفر، مصطفی، نادری، مجید و فروزانگهر، حمیده (۱۳۸۸). تلقی شهروندان از کوچه خوب و معیارهای شکل‌دهنده آن: مطالعه موردی شهروندان تهرانی. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۰، ۱۲۰-۱۱۱.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و سلیمانی، مسعود (۱۳۹۰). زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی. مجله توسعه محلی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۸۶-۱۶۵.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: انتشارات قومس.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، سید علی (۱۳۹۲). نظام الگوی توسعه‌ای در مناطق روستایی: آموزه‌هایی از تجربیات روستای نمونه در جهان و ایران. انتشارات استانداری گیلان.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و جانعلی نسب، بهزاد (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکردهای انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱.

صادق‌لو، طاهره، شایان، حمید، سجاسی قیداری، حمدالله و سجاسی قیداری، مجید (۱۳۹۴). ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق روستایی بر اساس شاخص‌های روستای سالم، مطالعه موردی: دهستان قراولان شهرستان مینودشت. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال سیزدهم، شماره ۱.

قادر، صلاح‌الدین و شرف‌خانی، جعفر (۱۳۹۸). توسعه مبتنی بر اجتماع محلی (مجله محور) از ایده تا عمل، مورد مطالعه: توسعه مبتنی بر اجتماع محلی شهر تهران. مجله توسعه محلی، دوره ۱۲، شماره ۱، ص ۱۲۶-۱۰۳.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای). انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس مسکن ایران. انتشارات مرکز آمار ایران.

وثوقی، منصور و ایمانی علی (۱۳۸۹). آینده توسعه روستایی و چالش‌های پایداری. مجله توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی). دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۵.

نورالدین، مصطفی و معین فر، صدیقه (۱۳۹۲). کاربست رویکرد دهکده شهری؛ راهکاری مناسب در تحقق سکونتگاه‌های روستایی پایدار، نمونه موردی: روستای آق اولر از شهرستان تالش. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم.

Development organizations Network (DONET) (2006) . National Seminar On Model Village, 3&4 November 2006, India: Hayderabad.

Lynch, K (1981) Good City Form, MIT Press, Cambridge journal of Environmental Psychology (1982) 2, 259-273/Reviowed by Constance Perin, Transportation System Center, United States Department of Transport, Kendal Square, Cambridge, Massachusetts 02142, U.S.A.